

روش‌شناسی تفسیر قرآن در شوی معنوی
(باتکیه دفتر اول و دوم)

نویسنده: سیاک ساداتی

سرشناسه	: سعادت، سیامک، ۱۳۶۸
عنوان و نام پدیدآور	: روش شناسی تفسیر قرآن در مثنوی معنوی (با تکیه بر دفتر اول و دوم) / نویسنده سیامک سعادت
مشخصات نشر	: تهران، مهر سبحان، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ل. ۱۷۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۴-۷۰۶-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتانبامه: ص. ۱۶۹-۱۷۰.
موضوع	: مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۷۴-۶۰۴ ق. مثنوی-- قرآن
موضوع	: Masnavi -- Koran, Mowlavi, Jalaloddin Mohammad ibn Mohammad ۱۲۷۰-۱۲۷۳
موضوع	: مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۷۴-۶۰۴ ق. مثنوی-- نقد و تفسیر
موضوع	: Masnavi -- Criticism and interpretation, Mowlavi, Jalaloddin Mohammad ibn Mohammad ۱۲۷۰-۱۲۷۳
موضوع	: تفسیر-- فن
موضوع	: Koran -- Criticism, Interpretation, etc -- Technique
موضوع	: قرآن در ادبیات فارسی
موضوع	: Quran -- In Persian literature
رده بندی کنگره	: PIR۵۳۰/۱/۹۵۸۹
رده بندی دی	: ۸۱۱/۳۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۴۰۰۰۰۰۱

روش شناسی تفسیر قرآن و مثنوی معنوی (با تکیه بر دفتر اول و دوم)

نویسنده: سیامک سعادت

صفحه آرایبی و طراحی جلد: رضا فتاحی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۴-۷۰۶-۹

فهرست صفحات

۱.....	گزارش کار.....
۵.....	گفتاری به جای پیشگفتار.....
۱.....	دفتر اول.....
۲.....	آیه اول.....
۵.....	آیه دوم.....
۸.....	آیه سوم.....
۱۱.....	آیه چهارم.....
۱۵.....	آیه پنجم.....
۱۸.....	آیه ششم.....
۲۱.....	آیه هفتم.....
۲۴.....	آیه هشتم.....
۲۸.....	آیه نهم.....
۳۲.....	آیه دهم.....
۳۶.....	آیه یازدهم.....
۴۰.....	آیه دوازدهم.....

۴۳	آیه سیزدهم
۴۶	آیه چهاردهم
۵۱	آیه پانزدهم
۵۶	آیه شانزدهم
۶۰	آیه هفدهم
۶۳	آیه هجدهم
۶۷	آیه نوزدهم
۷۳	آیه بیستم
۷۶	آیه بیست و یکم
۸۱	آیه بیست و دوم
۸۴	آیه بیست و سوم
۸۸	آیه بیست و چهارم
۹۳	آیه بیست و پنجم
۹۹	آیه بیست و ششم
۱۰۲	آیه بیست و هفتم
۱۰۷	آیه بیست و هشتم
۱۱۱	آیه بیست و نهم
۱۱۵	آیه سی ام
۱۱۹	آیه سی و یکم
۱۲۳	دفتر دوم
۱۲۴	آیه اول

۱۲۷.....	آیه دوم.....
۱۳۰.....	آیه سوم.....
۱۳۳.....	آیه چهارم.....
۱۳۷.....	آیه پنجم.....
۱۳۹.....	آیه ششم.....
۱۴۳.....	آیه هفتم.....
۱۴۶.....	آیه هشتم.....
۱۵۰.....	آیه نهم.....
۱۵۳.....	آیه دهم.....
۱۵۷.....	آیه یازدهم.....
۱۵۹.....	آیه دوازدهم.....
۱۶۳.....	آیه سیزدهم.....
۱۶۸.....	بررسی کلی دیدگاه مولوی.....
۱۶۹.....	منابع و مآخذ.....

گفتاری به جای پیشگفتار

سؤال اساسی این است که مولوی در تفسیر آیات قرآن تا چه اندازه مطابق تفاسیر و سبک‌های تفسیری عمل کرده است؟ برای پاسخ به این سؤال باید ابتدا به تعریف تفسیر و تأویل پرداخته سپس تفاوت‌های این دو را بررسی کرد:

تفسیر

تفسیر، مصدر باب تفعیل از ماده "فَسَر" است. "فسر" در کتب لغت به: بیان، ابانه، جدا کردن، بیان و توضیح دادن شیء پیدا و آشکار کردن امر پوشیده، کشف معنای معقول، اظهار معنای معقول و بیان کردن معنای سخن، معنا شده که پنج معنای اسیر در واقع از صادق معانی پیشین است.^۱

تفسیر در اصطلاح مفسران عبارت است از زودن ابهام از لفظ مشکل و دشوار، که در انتقال معنای موردنظر، نارسا و دچار اشکال است.

ماده "فَسَر" را به باب تفعیل برده‌اند تا بیانگر مبالغه در استیلا به معنا باشد؛ همان‌گونه که ماده کَشَف را به هم منظور به باب افتعال می‌برند و "كَشَفَ وَاكْتَشَفَ" هر دو به یک معناست؛ جز اینکه دومی برای افادۀ مبالغه در کَشَف به کار برده می‌شود.^۲

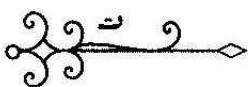
با توجه به معنای کلمه "فسر و تفسیر" این معانی در چهار دسته قرار می‌گیرند:

۱- معانی مطلق بودن ذکر متعلق: بیان، ابانه، شرح و بیان و یا با ذکر متعلق عام: بیان و توضیح چیزی

۲- معانی مخصوص به امور معقول و نامحسوس: کشف معنای معقول و نامحسوس: کشف معنای معقول، شرح معنای مبهم

۱- رجبی: ۱۳۸۸: ۵

۲- معرفت: ۱۳۸۵: ۱۶/۱





۳- معنای مخصوص به لفظ و سخن: شرح غوامض سخن، کشف معنای لفظ و اظهار آن، تبیین و ایضاح حدیث

۴- معنای مخصوص به قرآن: شرح کلام خدا، کشف ظاهر قرآن، بیان و تشریح معنا و لفظ آیات قرآن.^۱

کلمه تفسیر در قرآن فقط یکبار استعمال شده (آیه ۳۳ سوره فرقان) که بهترین نظر درباره آن: بیان و تفصیل بیان یا کشف است.

تعاریف تفسیر

الف. امین الاسلام: تفسیر، کشف مراد از لفظ مشکل است.

ب. راغب اصفهانی: تفسیر، عرف دانشمندان، کشف معانی قرآن و بیان مراد است؛ اعم از اینکه به حسب مشکل بودن لفظ و غیر آن و به حسب معنای ظاهر و غیر آن باشد.

پ. کلبی: معنای تفسیر، شرح قرآن، بیان معنای آن و آشکار کردن چیزی است که با تصریح و اشاره و نجوایش آن را اقتضا می‌کند.

ت. جرجانی: تفسیر در شرع، توضیح معانی و شأن و قصه آن و سببی است که آیه در آن شرایط نازل با لفظی که با دلالت آشکار بر آن دلالت نماید.

ث. علامه طباطبائی: تفسیر، بیان معانی آیات قرآن و کشف مقاصد و مدالیل آن‌ها است.

تعریف پیشنهادی: تفسیر عبارت است از بیان مفاد استعمال آیات قرآن و آشکار نمودن مراد خدای متعال از آن بر مبنای ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره.^۲

تأویل

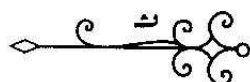
تأویل از "أول" به معنای رجوع، اشتقاق یافته و معنای آن با توجه به ریشه اصلی‌اش "ارجاع" است. تعاریف تأویل در سه دسته قرار می‌گیرند:

الف. برگرداندن چیزی به هدفی که از آن مدنظر است.

ب. آشکار ساختن آنچه شیئی به آن بازمی‌گردد؛ روشن ساختن کلامی که معنی‌اش مختلف بوده و

۱- رجبی: ۱۳۸۸: ۸

۲- همان: ۲۳-۱۰



جز با بیانی فراتر از الفاظ آن میسر نباشد؛ تبیین معنای مشابه؛ تفسیر باطن و خبر دادن از حقیقت مراد پ. انتهای شیء، مصیر، عاقبت و آخر آن؛ عاقبت کلام و آنچه کلام به آن بازمی‌گردد؛ معنای پنهان کلام که غیر از معنای ظاهر آن است.

جامع‌ترین این تعاریف: چیزی که شیء یا کلام به آن بازمی‌گردد.^۱

کلمه تأویل هفده بار در قرآن کریم استعمال شده است. دوازده بار در مورد غیر قرآن و پنج بار در مورد قرآن به‌کاررفته است.

معانی تأویل در قرآن

۱- توجیه ظاهر یا حمل متشابه به‌گونه‌ای صحیح که مورد قبول عقل و مطابق با نقل باشد؛ مانند آیه: هُوَ الَّذِي أُنْزِلَتْ فِيهِ الْكِتَابُ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ يَسْتَوُونَ فِي السُّعْيِ وَاللَّهُ فِي أَعْيُنِنَا قَوْمٌ مُّذَكَّرُونَ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبَابِ

در این آیه شریفه بحث مهمی در میان مفسران و دانشمندان دیده می‌شود که آیا «وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» جمله مستقلی بوده و یا عطف بر «وَاللَّهُ» است. یعنی آیا «تأویل قرآن را جز خدا و راسخون در علم نمی‌دانند.» و یا اینکه «تأویل قرآن را فقط خدا می‌داند؛ اما راسخون در علم می‌گویند: گرچه تأویل آیات متشابه را نمی‌دانیم، اما در برابر همه آن‌ها تسلیم هستیم و همه از طرف پروردگار ما است.»

طرفداران هر یک از این دو دیدگاه برای اثبات عقیده خود سوا دی آورده‌اند، اما آنچه با قرائن موجود در آیه و روایات هماهنگی دارد، آن است که «وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» است بر «الله» است؛ زیرا:

الف. بسیار بعید به نظر می‌رسد که در قرآن، آیاتی باشد که اسرار آن را جز خدا نداند؛ چراکه این آیات برای تربیت و هدایت مردم نازل شده است و چگونه ممکن است حتی یک حرفی که قرآن بر او نازل شده از معنا و تأویل آن بی‌خبر باشد؟! این درست به آن می‌ماند که شخصی کتابی بویسد که مفهوم بعضی از جمله‌های آن را جز خودش هیچ‌کس نداند!^۲

ب. روایات فراوانی که در تفسیر آیه نقل شده، همگی تأیید می‌کند که راسخون در علم، تأویل آیات قرآن را می‌دانند؛ مانند اینکه امام باقر(ع) می‌فرماید: «رسول خدا (ص) افضل راسخان در علم بود و تفسیر

۱- همان: ۶-۲۵

۲- آل عمران: ۷

۳- مکارم شیرازی: ۱۳۷۴: ۴۴۱/۲

و تأویل هر چه بر او نازل شد، می‌دانست و چیزی بر آن حضرت نازل نشد که تفسیر آن را نداند و پس از او اوصیای گرامی‌اش تفسیر و تأویل همه قرآن را می‌دانستند.^۱

مؤید این مطلب این است که صحابه و تابعین، تمام آیات قرآن را تفسیر کرده‌اند و نقل نشده است که آنان در جایی توقف کرده بگویند: این مورد از متشابهات است که جز خدا آن را نمی‌داند.^۲

پ. اگر منظور این باشد که راسخون در علم در برابر آنچه نمی‌دانند، تسلیم هستند مناسب‌تر این بود که گفته شود: راسخون در ایمان چنین هستند؛ زیرا راسخ در علم بودن، متناسب با دانستن تأویل قرآن است، نه با ندانستن و تسلیم بودن.^۳

بنابراین، «راسخون فی العلم» نمی‌تواند جمله مستقلی باشد، بلکه باید عطف بر کلمه «الله» شود.

۲- تعبیر حواد نه بدین معنا، هشت بار در قرآن به کار رفته است: یوسف آیات شش، بیست و یک، سی و شش، سی و هفت، چهل و چهار، چهل و پنج، صد، صد و یک

۳- فرجام و حاصل کار؛ مانند این آیه: وَ أَوفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَ زِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا.^۴

"أَحْسَنُ تَأْوِيلًا" یعنی با سرانجامی نیکو.^۵

تفاوت تفسیر و تأویل

۱- تفسیر از "فَسَّرَ" اشتقاق یافته که در همه معانی از نوع آشکار کردن و رفع ابهام وجود دارد؛ ولی تأویل از "أَوَّلَ" به معنای رجوع و بازگردیدن گرفته شده است.

۲- استعمال واژه تفسیر به معنای وصفی رایج نیست؛ ولی استعمال تأویل به معنای وصفی رایج و شایع است.^۶

تفاوت تفسیر و تأویل قرآن

۱- مجلسی: ۱۴۰۳: ۸۱/۸۹

۲- طبرسی: ۱۳۶۰: ۷۰۱/۲

۳- مکارم شیرازی: ۱۳۷۴: ۴۴۱/۲

۴- اسراء: ۳۵

۵- معرفت: ۱۳۸۵: ۲۱/۱

۶- رجبی: ۱۳۸۸: ۳۱-۳۲

بین مفسران اختلاف نظر است. جمعی گفته‌اند: تفسیر و تأویل به یک معنا است. برخی تفسیر را اعم از تأویل دانسته‌اند و بیشتر صاحب نظران که تأویل را به طور کامل مغایر با تفسیر دانسته‌اند.^۱

تفسیر عبارت است از: رفع ابهام از لفظ دشوار و نارسا؛ از این رو تفسیر در جایی که به علت تعقید و پیچیدگی در الفاظ، معنا مبهم و نارسا باشد. البته عوامل لفظی و معنوی در ایجاد تعقید نقش دارد؛ ولی تأویل عبارت است از: دفع شک و شبهه از اقوال و افعال متشابه. بنابراین تأویل در موردی به کار می‌رود که موجب پوشیدگی حقیقت معنای کلام و غرض اصلی گوینده شده باشد و وظیفه تأویل کننده، برطرف کردن این خفا و نارسایی است. بنابراین تأویل علاوه بر رفع ابهام، هم‌زمان دفع شبهه نیز می‌نماید. پس هر جا تشابهی در الفاظ باشد، ابهام در معنا حاصل خواهد شد؛ لذا در تأویل، رفع ابهام و در شبهه، توأم است.^۲

معارف قرآن کریم دو بخش قسمت می‌شود:

الف. معارفی که فهم آن بر مبنای ادبیات عرب و اصول محاوره برای همگان میسر است که در روایات به آن "ظاهر قرآن" و "ظاهر قرآن" تعبیر شده است.

ب. معارفی که بر مبنای ادبیات عرب در صورت عقلایی محاوره دانستن آن میسر نیست و برای پی بردن به آن، راهی جز مراجعه به راسخان در علم و دین ندارد و در روایات از آن به "باطن قرآن" و "بطن قرآن" یاد شده است. بخش اول در قلمرو تفسیر و بخش دوم در محدوده تأویل قرار می‌گیرد.^۳

علل نیازمندی به تفسیر

۱- فقدان آگاهی‌های لازم: یکی از علل مهم نیازمندی به تفسیر ضعف دانش بشری است.

۲- برخی از ویژگی‌های قرآن کریم: الف. معارف بسیار زیاد و الفاظ محسوس

ب. محتوای متعالی در قالب الفاظ متداول

پ. آمیختگی و پراکندگی مطالب

ت. فاصله زمانی با نزول قرآن.^۴

۱- همان: ۳۲

۲- معرفت: ۱۳۸۵: ۲۱/۱

۳- رجبی: ۱۳۸۸: ۳۴

۴- همان: ۳۶

